

تاریخ و تمدن اسلامی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۷۵-۱۵۱

تحول چشم‌انداز زیست و معیشت روستایی مازندران در دوره پهلوی اول^۱

مهرداد دیوسالار^۲

دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

محمدحسین فرجیها^۳

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

محمد نورمحمدی نجف‌آبادی^۴

دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

چکیده

دوره پهلوی اول را از منظر مکتب چشم‌انداز، می‌توان نقطه عطفی در جغرافیای تاریخی مازندران به‌شمار آورد. در این دوره تغییراتی اساسی در حوزه‌های مختلف چشم‌انداز جغرافیایی مازندران رخ داد. معیشت و مورفولوژی شهری دچار تحول شد، اصلاحات نوین در زمینه کشاورزی و صنعت رخ داد و زیست و معیشت روستایی نیز تا حد بسیاری متحول گشت. تحول چشم‌انداز زیست و معیشت روستایی متأثر از عوامل گوناگونی بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مدرن‌سازی کشاورزی، ایجاد راه‌آهن، صنعت و خاصه شیلات و مهاجرت از روستا به روستا که تحت تأثیر عوامل مختلف صورت گرفت از مهم‌ترین مؤلفه‌های تغییر چشم‌انداز زیست و معیشت در دوره پهلوی اول بوده است.

کلیدواژه‌ها: رضاشاه، مازندران، چشم‌انداز روستایی، چشم‌انداز زیست و معیشت، کشاورزی، راه‌آهن، شیلات.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۶

۲. رایانامه: m.divsalar@edu.ikiu.ac.ir

۳. رایانامه (مسئول مکاتبات): mhfarajiha@ISR.ikiu.ac.ir

۴. رایانامه: mnoormohammadi64@gmail.com

مقدمه

تقریباً از نیمه دوم قرن بیست میلادی، مکاتب نظری متنوعی در نوع نگرش به جغرافیای تاریخی به وجود آمده است. فصل مشترک بیشتر این مکاتب تنها توصیف دگرگونی‌های فیزیکی در زمین و بررسی مفاهیم جغرافیایی به معنای متداول آن نیست، بلکه درک دگرگونی‌های تاریخی در بستر مکانی و بررسی رابطه بین مکان و زمان رویداد با فعالیت‌های انسانی و تأثیر آنها بر فرهنگ و زیست و معیشت جامعه انسانی است. یکی از حوزه‌های مطالعاتی نسبتاً جدید در جغرافیای تاریخی، مکتب چشم‌انداز است. دامنه مطالعات جغرافیای تاریخی در این مکتب بسیار گسترده است. مطالعه مرزها، مطالعه روند حرکت‌های جمعیتی مثل مهاجرت‌های بزرگ، مطالعه روند تحولات اقتصادی و معیشتی و بررسی جریان تولید، مطالعه راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی، مطالعه محل وقوع جنگ‌ها و مناطق مهم نظامی مانند دره‌ها، گذرگاه‌های طبیعی، قلعه‌ها و برج‌ها، مطالعه مکان‌های مهم اقتصادی و سیاسی و دینی در گذشته، مطالعه اراضی و مناطق تحت تسلط انسان، تسخیر طبیعت و جز اینها از جمله مواردی است که در مدل چشم‌انداز بررسی می‌شود.

مطالعه جغرافیای تاریخی براساس مکتب چشم‌انداز، دارای مؤلفه‌های چهارگانه‌ای است که اولین مؤلفه و عنصرسازنده آن انسان است. مکان، زمان و نوع فعالیت انسانی از دیگر مؤلفه‌های مکتب چشم‌انداز به‌شمار می‌آیند. از این رو براساس جغرافیای تاریخی مکتب چشم‌انداز می‌توان تغییرات ایجادشده در حوزه‌های گوناگون را بنا بر سیاست‌گذاری‌های اعمال‌شده توسط مجموعه انسانی و در دوره‌های تاریخی در یک جغرافیای مشخص، مطالعه کرد. امروزه مکتب

چشم‌انداز دامنه تحقیقاتی گسترده‌ای را در مجامع علمی مربوط به جغرافیای انسانی به خود اختصاص داده و رفته رفته این دامنه به مطالعات جغرافیای تاریخی راه یافته است.^۵ در مکتب چشم‌انداز، تحولات و تطورات یک منطقه در طول زمان با توجه به نقاط عطفی که باعث تغییرات اساسی در آنجا شده، بررسی می‌شود و این خود، جغرافیای تاریخی را از شکل صرفاً توصیفی خارج می‌کند و بُعدی تحلیلی و کارکردی به آن می‌بخشد. در معنای اصطلاحی، چشم‌انداز جغرافیایی فضای خاص حاصل از کنش متقابل نیروهای گوناگون طبیعی و انسانی در یک بافت مکانی معین را شامل می‌شود.^۶ به چشم‌اندازها در بازه زمانی طولانی که به آزامی تکامل یافته و به شکل ساختاری مشخص، انعکاس‌دهنده یکپارچگی هماهنگ با عناصر زیستی، زیست‌شناختی و فرهنگی است، نگاه می‌شود. این تعریف تنوع چشم‌اندازها و هم‌چنین تنوع زیستی را، با توجه به افزایش نفوذ انسان در طبیعت، توضیح می‌دهد.^۷ با در نظر گرفتن مجموعه تعاریف چشم‌انداز^۸ به نظر می‌رسد این مکتب ترکیبی از تعاریف مختلف است.^۹

چشم‌انداز در معنایی ساده با نقاط عطف یک منطقه جغرافیایی که در طول زمان باعث تغییر و تحولات اساسی در آن منطقه مورد نظر شده، سروکار دارد. از این رو، ممکن است

۵. نک. دیوسالار و دیگران، ۵۳-۷۴.

۶. نک. سعیدی، ۹. امروزه از چشم‌انداز، که از جهانی انسانی شده حکایت می‌کند (نک. Turner, 64)، تعاریف اصطلاحی دیگری ارائه شده است که نقطه اتصالشان تأکید بر تفاوت‌های چشم‌انداز قدیمی با چشم‌انداز جدید ناشی از تأثیر انسان بر یک جغرافیای مشخص در طول یک بررسی تاریخی بلندمدت است (نک. Olwig, 630-653; Muir, 26).

7. Renes, 119.

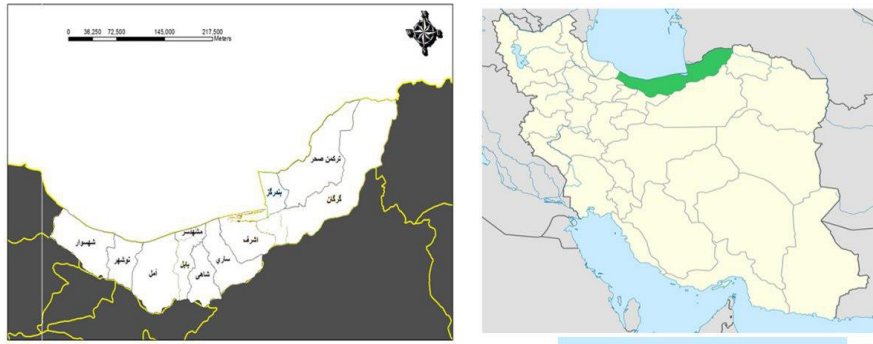
۸. برای بحثی تفصیلی در این باره نک. دیوسالار و دیگران، ۵۳-۷۴.

9. Kluiving and Guttman-Bond, 11.

رخدادی سیاسی در تاریخ منطقه‌ای معین مهم باشد، اما از آن‌جا که چشم‌انداز آن منطقه را تغییر نداده، بررسی نشود. این عامل را می‌توان مهم‌ترین کاربست چشم‌انداز در مطالعات تاریخی دانست؛^{۱۰} برای نمونه دوره پهلوی اول را از منظر مکتب چشم‌انداز؛ می‌توان نقطه عطفی در جغرافیای تاریخی مازندران به شمار آورد، چراکه در این دوره تغییراتی اساسی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی مازندران رخ داد.

بازه زمانی این پژوهش مازندران در دوره رضاشاه (حک ۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) است که محدوده جغرافیایی استان‌های مازندران و گلستان کنونی از منتهی الیه غرب رامسر تا منتهی الیه شرق مراوه‌تپه را در برمی‌گرفته است. در این دوره تغییر و تحولات بنیادینی در حوزه شهری و روستایی مازندران صورت گرفت که چشم‌انداز این منطقه را به‌طور جدی دست‌خوش دگرگونی کرد: بسیاری از شهرها گسترش یافتند و شهرهای جدید پدید آمدند و سیمای بسیاری از روستاها نیز از نظر جمعیتی، معیشتی، تغییرات شغلی، صنعتی، مهاجرتی و کالبد فضایی تغییر کرد؛ به‌ویژه روستاهایی که در مسیر سازه‌های جدید، مانند راه‌آهن قرار داشتند یا وابسته به صنعت شیلات بودند، رشد و گسترش چشم‌گیری یافتند و شماری دیگر از رونق افتادند و در پی آن بسیاری از روستاییان به شهرها و روستاهایی که رونق یافته بود مهاجرت کردند و در نتیجه چشم‌انداز زیست و معیشت روستایی منطقه دگرگون گشت.

۱۰. برای نمونه می‌توان کشف نفت را به‌عنوان یکی از نقاط عطف مهم در چشم‌انداز تاریخی شهر مسجد سلیمان در نظر گرفت (برای تفصیلی در این باره نک. صفایی‌پور و دیگران، ۹۰-۱۱۲)؛ هم‌چنین برای نمونه‌ای دیگر از این نقاط عطف تأثیرگذار در یک منطقه جغرافیایی (نک. دیوسالار و دیگران، ۶۸-۷۰).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مطالعاتی منطقه (نگارنده).

توجه به چشم‌انداز جغرافیایی در نوشتار حاضر باعث شده است تا تفاوت‌های میان این تحقیق و دیگر پژوهش‌هایی که در حوزه مطالعات تاریخی و جغرافیای تاریخی مازندران در دوره رضاشاه انجام گرفته، وجود داشته باشد؛ برای نمونه در تحقیقی که مرضیه اسلامی کردی در رساله خود با عنوان «نوین‌سازی‌های رضاشاه در شهر شاهی (قائم‌شهر) و پیامدهای اجتماعی آن» انجام داده، گرچه حاوی داده‌های ارزشمندی است که در این نوشتار از آنها بهره‌برده شده، اما صرفاً مبتنی بر نگاهی تاریخی است. در نمونه‌ای دیگر، زهرا نادی در رساله خود با عنوان «تحول اقتصاد کشاورزی مازندران در دوره پهلوی اول با تکیه بر دو نظریه شیوه تولید آسیایی و توسعه وابسته»، تحول کشاورزی مازندران در دوره رضاشاه را بررسی کرده است. از آن‌جا که نویسنده علاوه بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای از منابع و اسناد آرشیوی نیز بهره‌برده، این رساله اطلاعات ارزشمندی درباره اقتصاد کشاورزی مازندران در اختیار محققین این دوره قرار می‌دهد؛ اما بیشتر به تغییرات مکانیکی و صنعتی کشاورزی در دوره رضاشاه پرداخته و تحول در زیرساخت‌های اقتصاد کشاورزی و تأثیر در زندگی اجتماعی کشاورزان را ارزیابی کرده و از بیان

تأثیر و نقش این اقدامات در فضای جغرافیایی، تغییر کاربری اراضی و تغییر در چشم‌اندازهای زیست و معیشت روستایی مازندران غفلت ورزیده است. در برخی دیگر از تحقیقات مانند «جغرافیای تاریخی بلده نور» از قوام الدین بینایی، «جایگاه تاریخی تنکابن در جغرافیای گیلان و مازندران» از الهیار خلغتبری و عباس پناهی و نیز صفر یوسفی در مقاله «سیر تحولات شهر نور در بستر تاریخ» صرفاً نگاهی سنتی به جغرافیای تاریخی داشته‌اند. به‌طور کلی تفاوت نوشتار حاضر در مقایسه با دیگر پژوهش‌ها را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

۱. توجه به چشم‌انداز جغرافیایی مازندران که در واقع اساس مباحث را تشکیل می‌دهد؛
۲. سعی در ارائه الگویی درباره تغییر چشم‌انداز زیست و معیشت منطقه در دوره رضاشاه و بررسی مهم‌ترین موارد و عوامل تأثیرگذار در این تغییرات.

تحول چشم‌انداز زیست و معیشت روستایی در مازندران

نظام اقتصادی حکومت قاجاریه بر مبنای زمین‌داری بزرگ بنا شده بود. اکثر جمعیت روستانشین بودند و اقتصاد آنها بر پایه کشاورزی-دامداری استوار بود؛ یعنی در جلگه مناسبات کشاورزی و در نواحی کوهستانی روابط کشاورزی-دامداری حاکم بود. بیشتر روستاها خالصه شاه بودند و گاهی توسط دولت اجاره داده می‌شدند و هر کس سرمایه کافی برای اجاره کردن روستا داشت، می‌توانست ارباب شود. در این صورت روستا ملک ارباب بود و سکنه آن رعایای او بودند که طبق سنت مجبورند برای او کار کنند.^{۱۱} در جلگه و کوهستان مالکیت اجتماعی و فردی بر زمین تفاوت داشت. در نواحی کوهستانی شکل غالب مناسبات خرده مالکی و گاه متکی بر مالکیت

۱۱. خسروی، جامعه‌شناسی روستایی ایران، ۱۸.

جمعی و نواحی جلگه‌ای اغلب در دست بزرگ مالکان بود.^{۱۲} هرچند با برقراری مشروطیت در سال ۱۳۲۴ هـ مالکیت فردی محترم شمرده شد، اما زمین‌داران بزرگ از این قوانین به سود خود بهره می‌بردند.^{۱۳} خوانین ایلات، روحانیان و فرماندهان قشون هم‌چنان املاک خود را حفظ و دولت نیز زمین‌های خالصه را تحت کنترل خود داشت.^{۱۴}

با آغاز دوره پهلوی و نوسازی‌های این دوره چشم‌انداز روستایی و کشاورزی در مازندران تغییر کرد. روستاهای مازندران به واسطه پیوستگی بیشتر با شهر و توسعه نسبی از وضعیتی متفاوت با روستاهای سایر نقاط ایران برخوردار گشت که این وضع تا به امروز نیز تداوم دارد. در بسیاری از موارد شاخص‌های زندگی در روستاهای مازندران با شهرستان‌هایی در سایر نقاط ایران برابری می‌کرد. روستا به‌عنوان یکی از کانون‌های جمعیتی و محور اقتصادی در فرهنگ سیاسی مازندران دوره رضاشاه جایگاه ویژه‌ای داشت، چندان که احزاب فعال در مازندران به جذب نیرو در روستاها نظر داشتند.^{۱۵}

تحول چشم‌انداز زیست و معیشت روستایی مازندران را می‌توان مبتنی بر پایه پنج مؤلفه زیر تحلیل کرد:

۱۲. انوری و دیگران، ۱۵۵.

۱۳. حسن‌نژاد، ۵۹.

۱۴. خسروی، دهقانان خرده‌پا، ۲۳-۲۴.

۱۵. برای نمونه حزب توده از جمله احزابی بود که در دوره پهلوی به بسط فعالیت در روستاهای مازندران توجه نمود (یوسفی‌نیا، ۶۱۹). پس از این حزب، احزاب دولتی و گروهک‌های سیاسی فعال در دهه آخر سلطنت پهلوی دوم در روستاها نیز فعال بودند.

۱. کشاورزی و چشم‌انداز روستایی

کشاورزی مهم‌ترین نقش عملکردی را در چشم‌اندازهای روستایی ایفا می‌کرد. با آغاز دوره پهلوی برای نخستین بار اراضی کشاورزی نزدیک به بازار یا شهر مرکزی، برای تولید کالاهای پرحجم و فاسدشدنی، مانند سبزیجات، میوه‌جات، صیفی‌جات، گوشت و لبنیات مورد استفاده قرار گرفت؛ چراکه دسترسی به بازار مرکزی و هزینه حمل و نقل در آن کمتر بود. درحالی‌که برنج‌کاری، تولید غله تجاری و گله‌داری مزرعه‌ای در نوارهای دورتر از شهر مرکزی، به صورت گسترده انجام می‌شد.^{۱۶}

با بروز تغییرات مذکور در مازندران در کنار کشاورزی سنتی^{۱۷}، کشاورزی تجاری مشتمل بر کشت تخصصی تک محصولی^{۱۸}، باغداری بازاری^{۱۹} و کشاورزی غله تجاری^{۲۰} پدید آمد. این

۱۶. نادى و دیگران، ۱۶۵؛ اشرف و بنوعیزی، ۱۰۳.

۱۷. کشاورزی سنتی اینها بود: ۱. کشاورزی کوچنده: مردمان ساکن در اراضی پست و تپه‌ماهوری به این نوع از سیستم کشاورزی مبادرت می‌ورزیدند که به نام زراعت کوچنده یا جابه‌جاشونده موسوم است (بهنروز، ۲۵۸). ۲. گله‌داری شبانی: از مشخصات عمده این نوع گله‌داری، جابه‌جایی دائمی مردم با دام‌هایشان بود که به منظور دسترسی به علوفه برای چرای دام، چوپانان به صورت گروهی بین اراضی پست جلگه‌ای و حتی اراضی میان‌بند جنگلی تپه‌ماهوری کوهپایه‌ای در زمستان و اراضی کوهستانی در تابستان جابه‌جا می‌شدند (همو، ۲۵۹). ۳. زراعت بدون ساکن: این نوع از کشاورزی در ارتفاعات و دره‌های کوهستانی انجام می‌شد. زارعان این نوع سیستم در ارتفاعات و دره‌های کوهستانی، جلگه‌های رودخانه‌ای را با مهارت خوبی مورد بهره‌برداری قرار می‌دادند (همو، ۲۶۰). ۴. زراعت غرقابی: با اقدامات انجام شده از سوی دولت مدرن در ایجاد چشم‌اندازهای کشت برنج، مردم مازندران به کشت این محصول روی آوردند. آنها با قطع و سوزاندن بیشه‌زارها، این اراضی را مورد بهره‌بری زراعی قرار دادند. کشاورزان روستایی مناطق مرطوب و جلگه‌ای، با اهتمام به کشت برنج، نوعی کشاورزی خاصی را توسعه دادند که به نام زراعت برنج آبی یا غرقابی موسوم شد (همو، ۲۶۲). ۵. تولید غله روستایی و گله‌داری: در نواحی کشاورزی سرد و خشک که از لحاظ اقلیمی برای کشت غرقابی برنج نامناسب بود، کشاورزی غله روستایی و دامداری متداول بوده که براساس تولید غلات نانی و نگهداری از دام‌های چرای متکی است (همو، ۲۶۳).

شیوه‌های نوین کشاورزی در دوره رضاشاه تحول چشم‌انداز روستایی را نیز در پی داشت. در این شیوه‌ها زمین‌های بیشتری به زیر کشت می‌رفت و طبعاً نیروی انسانی بیشتری نیز به کار گرفته می‌شد. از طرف دیگر کشاورزی بیش از پیش به سمت تجاری‌شدن پیش می‌رفت که این خود یکی از عوامل مهم تغییر در چشم‌انداز روستایی بود.

در این دوره مدرن‌سازی کشاورزی نیز مدنظر قرار گرفت و در این راستا اقدامات مهمی انجام شد؛ برای نمونه دولت با خشکاندن باتلاق‌ها زمین‌های بسیاری را برای کشت آماده کرد. دولت به پیشنهاد هاریس^{۲۱} که به مازندران سفر کرده بود، خشکاندن و زه‌کشی باتلاق‌ها را در دستور کار خود قرار داد.^{۲۲} در سال ۱۳۰۸ خشکاندن باتلاق‌های بندرگز از طرف وزارت داخله آغاز و معادل چهارده هزار تومان اعتبار به حکومت استرآباد داده شد.^{۲۳}

۱۸. تولید محصول در مزارع و تبدیل و تصفیه صنعتی آنها در کارخانه‌ها مانند پرورش نیشکر در مزرعه و تبدیل نیشکر به شکر در کارخانه و نیز کشت پنبه در مزرعه و تبدیل آن به نخ و پارچه در کارخانه‌های ریسندگی، حریربافی و نساجی مازندران از مشخصات سیستم کشت تک‌محصولی به‌شمار می‌آید (همو، ۲۷۳).

۱۹. باغداری بازاری از دیگر انواع کشاورزی تجاری است. این نوع باغداری در زمینه کشت متمرکز بر میوه‌جات، سبزی-جات و تاکستان‌ها تخصص دارند و نگهداری از دام در بین آنها مرسوم نیست (همو، ۲۷۸).

۲۰. کشاورزان اغلب به کشت گندم، برنج و ذرت مشغول‌اند. استفاده از وسایل ماشینی و مکانیکی، زارعان غله تجاری را قادر ساخته تا یک واحد اقتصادی بزرگی به‌وجود بیاورند. امکان داشتن زمین‌های بزرگ زیر کشت غله و بهره‌گیری از تجهیزات مدرن کشاورزی، سبب ایجاد کشت در واحدهای بزرگ اقتصادی گردید. این نوع از کشاورزی را در اصطلاح کشت و صنعت نیز می‌نامند (همو، ۲۸۱).

۲۱. Haris متخصص آمریکایی که در دولت پهلوی اول برای اصلاحات کشاورزی به مازندران سفر کرد (نادی، ۱۳۵).

۲۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۴۱۱۱-۲۳۰.

۲۳. ایران، سال سیزدهم، شماره ۳۰۲۲، ۳۰ مرداد ۱۳۰۸؛ ۲: هم‌چنین برای نمونه‌ای دیگر نک. اطلاعات، سال پانزدهم، شماره ۴۱۹۸، ۷ خرداد ۱۳۱۹: ۱.

همچنین دولت سعی کرد با مهار کم آبی و مدیریت آن زمین های بیشتری را به زیر کشت برد و فرصت های شغلی بیشتری برای روستاییان ایجاد کند. در اولین اقدامات سعی شد تا با تلمبه آب را به زمین های کشاورزی برسانند که این شیوه موجب پیشرفت کشاورزی و تشویق مردم روستایی به زراعت شد.^{۲۴} در مرحله بعدی، سدسازی برای تأمین آب به طور جدی در دستور کار قرار گرفت در حالی که تا سال ۱۳۱۰ هیچ تلاشی در حوزه سدسازی انجام نگرفته بود،^{۲۵} در سال ۱۳۱۲ عملیات ساخت سد بر رودخانه تنکابن^{۲۶} و در سال ۱۳۱۵ احداث سدی در پهلوی دژ (آق قلا) آغاز شد.^{۲۷} دولت سعی داشت تا از طریق سدسازی و افزایش اراضی زیرکشت، کشت برخی محصولات مانند پنبه را تا ۵۰ درصد افزایش دهد^{۲۸} و با آشنا شدن زارعان با شیوه های نوین آبیاری، شلتوک کاری نیز تا حدود ۸۰ هزار هکتار افزایش یافت.^{۲۹}

این اقدامات زیربنایی باعث گسترش کشت محصولاتی مانند پنبه، برنج، مرکبات و چای شد. در آمارهای موجود افزایش چشم گیری در میزان سطح زیر کشت و تولید این محصولات در طول دوره حکومت پهلوی اول وجود دارد؛ برای نمونه سطح زیر کشت چای در تنکابن از ۲۰ هکتار در سال ۱۳۱۰^{۳۰} به ۶۰۰ هکتار در سال ۱۳۱۹ افزایش یافت.^{۳۱} در جدول شماره ۱ افزایش سطح زیر کشت پنبه در سال های از ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴ مشاهده می شود.

۲۴. اطلاعات، سال یازدهم، شماره ۲۸۵۳، ۲۰ مرداد ۱۳۱۵: ۴.

۲۵. نک. گزارش ایالات و ولایات...، ۱۴۴.

۲۶. نک. اطلاعات، سال هفتم، شماره ۱۸۸۸، ۱۶ شهریور ۱۳۱۲: ۲.

۲۷. اطاق تجارت، سال هفتم، شماره ۱۴۲، شهریور ۱۳۱۵: ۲۹؛ اطلاعات، سال یازدهم، شماره ۳۰۱۳، ۱۶ دی ۱۳۱۵: ۴.

۲۸. نک. اطاق تجارت ایران و آلمان، سال اول، ۱۳۱۵: ۲۴.

۲۹. شایان، ۴۳/۱.

۳۰. احصائیه محصولات فلاحتی ایران، ۱۳۱۰: ۱۵۴ و ۱۶۰.

تحول چشم انداز زیست و معیشت روستایی مازندران در دوره پهلوی اول ۱۶۱/

ردیف	نام شهر	سال ۱۳۱۰ (به هکتار)	سال ۱۳۱۴ (به هکتار)
۱	بابل	۲۵۰۰	۱۶۰۰۰
۲	مشهدسر (بابلسر)	۷۷۳	۲۰۰۰
۳	اشرف (بهشهر)	۸۰۰	۳۲۰۰
۴	گرگان	۲۰۰۵	۹۰۰۰

جدول شماره ۱. سطح زیر کشت پنبه در برخی از شهرهای مازندران^{۳۲}
علاوه بر افزایش سطح زیر کشت و تولید محصولات کشاورزی که زیست و معیشت روستاییان را تحت تأثیر قرار داد، روستاها پیشرفت‌های قابل توجهی را نسبت به دوره‌های پیشین تجربه کردند. این تغییرات طبعا در تحول زیرساخت‌های شهری نیز تأثیر جدی داشت؛ به طوری که در اولین آمارگیری رسمی در سال ۱۳۳۵^{۳۳} آبادی‌های مازندران دارای زیرساخت‌های مهمی بودند.^{۳۴}

۲. شیلات و چشم انداز روستایی

آبزیان و صید دریایی در شیوه زیست و معیشت مردم سواحل دریای خزر از دیرگاه جایگاه مهمی داشته است و بهره‌برداری از آبزیان در سواحل دریای خزر بر اساس اسناد و منابع مکتوب

۳۱. سجادی، ۳۹۶.

۳۲. احصانیه محصولات فلاحتی ایران، ۱۳۱۰: ۱۵۴ و ۱۶۰؛ ساکما، سند شماره ۱۶۵۲۵-۲۶۰.

۳۳. درگاه ملی آمار، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

۳۴. برای آگاهی تفصیلی از تغییرات در زیرساخت‌های روستایی مازندران نک. اطلاعات آماری سرشماری عمومی نفوس

و مسکن قابل دسترس در آدرس زیر: <https://amar.sci.org.ir/PlanList.aspx>

تاریخی به سال‌های بسیار دور می‌رسد.^{۳۵} پیش از روی کارآمدن رضاشاه و طی روند امتیازدهی حاکمان قاجاری به دولت روس امتیاز شیلات شمال در سال ۱۸۷۶ میلادی به یکی از اتباع روسیه واگذار و در سال‌های ۱۸۷۹، ۱۸۸۶، ۱۸۹۳ و ۱۹۰۶ میلادی تمدید شد؛ اما در سال ۱۹۲۱ میلادی قراردادی میان دولت ایران و رژیم جدید شوروی با عنوان عهدنامه مودت امضا شد که بر اساس آن کلیه امتیازات و معاهدات واگذار شده به رژیم قبلی روسیه، از جمله قرارداد شیلات ملغی اعلام شد^{۳۶} و در مهرماه ۱۳۰۶ / اکتبر ۱۹۲۷ م پیمان جدیدی در ۲۱ ماده میان ایران و شوروی برای تأسیس شرکتی به نام شرکت مختلط ایران و شوروی منعقد گردید. براساس این پیمان امتیاز بهره‌برداری از سواحل دریای خزر و چند رودخانه مهم داخلی برای ۲۵ سال به این شرکت واگذار شد. در نهایت در ۱۱ بهمن ۱۳۳۱ / ۳۱ ژانویه ۱۹۵۳ م شرکت مختلط ایران و شوروی منحل و شیلات ایران آزاد^{۳۷} و به‌جای آن شرکت سهامی شیلات ایران تأسیس شد.^{۳۸}

احداث بندر و مرکز شیلات مازندران در دهنو (نوشهر امروز) علاوه بر ایجاد درآمد اقتصادی جدید در این منطقه فرآیند شهری شدن نوشهر و توسعه آن را سرعت بخشید.^{۳۹} فرم

۳۵. صابری، ۳۵.

۳۶. روابط عمومی شرکت سهامی شیلات ایران، ۲۱؛ برای اطلاعات بیشتر درباره امتیاز شیلات شمال در دوره قاجاریه نک. حسنی، ۷۰-۹۱.

۳۷. صابری، ۴۰-۴۱.

۳۸. روابط عمومی شرکت سهامی شیلات ایران، ۱۲.

۳۹. نوشهر روستای بزرگی بود که تا قرن نهم هجری خواجه یا خواجک یا خواجک نامیده می‌شد و به سبب قرارگرفتن در کنار دریا و رفت و آمد کشتی‌های بازرگانی، مورد توجه حبیب‌الله‌خان سردار خلعتبری قرار گرفت؛ بعدها، به دلیل فعالیت‌های عمرانی حبیب‌الله‌خان به حبیب‌آباد معروف شد. در سال ۱۳۰۵ به «دهنو» تغییر نام داد و در سال ۱۳۱۱ عملیات احداث تأسیسات بندری آغاز شد و در سال ۱۳۱۸ پایان یافت. در این زمان و با ایجاد بندر نوشهر و سلسله اقداماتی عمرانی با هویت شهری در کنار بافت روستائی به نوشهر تغییر نام یافت (نک غفاری، ۱۲۹).

سکونت‌گاهی و کالبد فضایی منطقه تغییر کرد و فضای جغرافیایی تحول‌یافته‌ای در منطقه پدید آمد. در ادامه این تحولات، با ساخت بندر نوشهر که در سال ۱۳۰۹ توسط شرکت‌های بورورکس^{۴۰} از هلند و آگرم^{۴۱} بلژیک آغاز و در سال ۱۳۱۸ راه‌اندازی شد، نوشهر به عنوان شهری بندری در مازندران ممتاز گشت. یکی از اهداف ساخت این بندر علاوه بر ترانزیت کالا بهره‌برداری از شیلات و آبزیان دریای خزر بود. در پی این اقدامات افزون بر فرم سکونت‌گاهی و تحول مورفولوژی روستایی، زیست و معیشت اهالی نوشهر تغییر پیدا کرد. با شهر شدن دهنو، جمعیت مهاجر جویای کار فراوانی از روستاهای اطراف به سوی آن مهاجرت کرده منابع درآمدی جدیدی در این منطقه ایجاد و در نهایت سبک زیست مردم دست‌خوش تغییرات عمده‌ای شد.^{۴۲}

علاوه بر بندر نوشهر، بندرهای امیرآباد، بابلسر، فرح‌آباد، نکا، فریدون‌کنار، بابلسر، گمش-تپه، بندر گز و بندر شاه (ترکمن)^{۴۳} در این دوره با رونق کشتی‌رانی و بهره‌برداری آبزیان مورد توجه دولت قرار گرفت. از میان این بنادر، بندر گز، ترکمن، بابلسر و نوشهر نقش مهم‌تری در مبادلات اقتصادی دولت پهلوی اول برعهده داشت. هریک از این بنادر در محل روستاهای بزرگی که در طول تاریخ به بهره‌برداری از آبزیان و صید ماهی اشتغال داشت، واقع شده بود؛ برای نمونه بندر شاه (ترکمن) در سال ۱۳۰۶ در محل سکونت‌گاه روستایی ترکمن‌ها به فرمان رضاشاه پهلوی ساخته شد. ترکمن‌ها که از دیرباز صحرانشین بودند،^{۴۴} در جریان سیاست

40. Borax

41. Agrem

۴۲. دیوسالار، ۲۸۷.

۴۳. بندرشاه (ترکمن) در ۳۶ کیلومتری باختر شهر گرگان و انتهای راه آهن سراسری کشور در بخش خاوری خلیج گرگان روبه‌روی رأس شبه‌جزیره میان‌کاله و کنار دریای خزر قرار گرفته است (نک. دیوسالار، ۲۹۰).

۴۴. دمورگان، ۱۳۹.

اسکان عشایر رضاشاه، اغلب اسکان یافتند و در کنار دامپروری به کشاورزی، صنایع دستی و کار در کارخانه‌های تازه تأسیس مشغول شدند.^{۴۵} چشم‌انداز روستایی این بندر با راه‌اندازی ایستگاه راه‌آهن در اندک زمانی متحول و به شهر تبدیل شد. بندر شاه از جمله شهرهایی است که در دوره رضاشاه و در شرایط رشد شتابان شهری یا ناشی از وقایع غیرمترقبه و یا بر حسب ضرورت فعالیت‌های جدید در مکان سکونت‌گاه روستایی به وجود آمد و دولت در ایجاد و شکل‌دهی به آنها به عنوان شهر نقش تعیین‌کننده داشته است.^{۴۶}

هم‌چنین می‌توان به بندرگز اشاره کرد: گز نام روستایی در چهار کیلومتری جنوب بندر گز، در پای جنگل کوه‌های جهان‌مورا در مسیر راه پیشین به شهر به گرگان است. این بندر به واسطه نزدیکی به روستای گز، به این نام شهرت یافت.^{۴۷} نخست روس‌ها بین سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۲۱ میلادی پس از استقرار در آشوراده، در سواحل بندر گز تأسیساتی را بنا کردند و در کنار آن انبارخانه‌هایی نیز با هزینه ایران ساختند.^{۴۸} در دوره پهلوی اول با توجه به فعالیت‌های اقتصادی بندری در این منطقه، رفته رفته بر جمعیت بندرگز افزوده شد به طوری که در سرشماری آبان‌ماه ۱۳۳۵/۱۹۵۶م جمعیت بندرگز به عنوان یکی از توابع گرگان ۴۶۹۳ نفر اعلام شده است.^{۴۹}

بندر بابل‌سر نیز که در کنار دریای خزر و در مَصَب رود بابل قرار دارد، در گذشته دارای لنگرگاه مناسبی نبود و تنها قایق‌ها و کرجی‌های کوچک در آن بارگیری می‌کردند. این بندر تا پیش از روی کار آمدن پهلوی مرکز بازرگانی مازندران و به‌ویژه بابل بود و بازرگانی بابل با روسیه

۴۵. دیوسالار، ۸۶.

۴۶. رهنمایی، ۲۴.

۴۷. صحابی‌فرد سنگسری، ۳۴.

۴۸. ابوت، ۱۰۷.

۴۹. مرکز آمار ایران، سرشماری شهر گرگان. <https://amar.sci.org.ir/PlanList.aspx>

از این بندر انجام می‌گرفت؛ اما با روی کار آمدن رضاشاه مورد توجه بیشتر قرار گرفت و با بنای ساختمان‌های جدید و خیابان‌های شوسه، پل‌های زیبا و مهمانخانه در ردیف زیباترین گردشگاه‌های شمال ایران قرار گرفت^{۵۰} و در پی این اقدامات این منطقه نیز همانند سایر مناطق بندری مازندران، دست‌خوش تحولاتی در کالبد فضای جغرافیایی و فرم سکونت‌گاهی که رفته رفته در شیوه‌های معیشتی و سبک زیست اهالی منطقه تأثیر نهاد و در نتیجه به تغییر چشم‌انداز زیست و معیشت بابلسر انجامید.

۳. راه آهن و چشم‌انداز روستایی

عامل دیگری که تغییرات قابل توجهی در ساختار اجتماعی - اقتصادی مازندران ایجاد کرد، راه آهن سراسری بود. هرچند راه آهن تغییرات مورفولوژی در کالبد سکونت‌گاهی مازندران ایجاد نکرد، اما با احداث آن در کنار هزاران کارگر کارخانه‌ها فضای اجتماعی - اقتصادی روستایی در مازندران تغییر کرد.^{۵۱} کوچ مهاجران استادکار و ماهر رشد جامعه شهری را در شاهی (قائم‌شهر) و مناطق اطراف فراهم آورد. هم‌زمان با شروع احداث ایستگاه‌های راه آهن سراسری اتحادیه کارگری راه آهن شمال شکل گرفت و تا سال ۱۳۱۵ تمامی کارگران شاهی، زیرآب، بهشهر و دیگر نقاط مازندران تحت مدیریت تشکیلات راه آهن درآمدند.^{۵۲} علاوه بر این با تأسیس این ایستگاه‌ها های در روستاها امکانات جدیدی به این مناطق وارد می‌شد. افزایش جمعیت در کنار ایستگاه‌ها موجب شد که برخی از روستاهای کوچک به روستاهای بزرگ و سپس به شهر تبدیل شوند. یکی

۵۰. دیوسالار، ۲۸۸-۲۹۱.

۵۱. برای اطلاع از بخشی از تلاش‌های انجام‌شده برای ایجاد خط آهن در دوره قاجاریه و پهلوی اول نک. چاهیان، ۷۲-۹۵.

۵۲. نجف‌پور و محجوبی، ۵۸۲.

از شهرهای مازندران دوره پهلوی اول که ایجاد آن به راه‌آهن وابسته بود، بندر ترکمن است. شکل‌گیری هسته اولیه بندر ترکمن به ۲۲ تیرماه ۱۳۰۸ باز می‌گردد که با نام بندر شاه در انتهای خط راه‌آهن سراسری ایران در جانب شمال شرقی احداث شد.^{۵۳}

علاوه بر این که راه‌آهن فرهنگ سایر نقاط ایران را وارد مازندران می‌کرد، تغییرات دیگری نیز در منطقه در پی داشت؛ از جمله ایجاد خانه‌های سازمانی برای کارکنان اداره راه‌آهن و مغازه‌هایی برای رفع نیازهای اولیه زیستی ضروری به نظر می‌رسید. اداره راه‌آهن مازندران علاوه بر نیروهای بومی، مهاجرانی از سایر شهرها و فرهنگ‌ها در خدمت داشت. این هم‌زیستی در حوزه زیستی و فرهنگی منطقه نیز تغییراتی به‌وجود آورد و در نتیجه از لحاظ فرهنگی و زبانی جامعه ناهمگونی پس از این دوره در این مناطق شکل گرفت.^{۵۴}

شیرگاه نیز یکی از مناطق مازندران بود که در زمان رضاشاه به سبب عبور خط راه‌آهن و ایجاد کارخانه اشباع تراورسی (قیراندود و تقطیر چوب) رو به توسعه نهاد و در دوره پهلوی دوم روند توسعه آن ادامه یافت و در سال ۱۳۴۲ به شهر تبدیل شد.^{۵۵}

زیرآب هم توقفگاه مسافران تهران بود که به گفته بومیان این شهر امارت‌سر، رباط‌سر و عبدالحق (برگرفته از نام امامزاده عبدالحق) نام داشت و پس از احداث ایستگاه راه‌آهن زیرآب خوانده شد.^{۵۶} در نتیجه این اقدامات، فرم سکونت‌گاهی و کالبد فضایی منطقه تغییر کرد و فضای جغرافیایی متحول شده‌ای از این پس در این محل به‌وجود آمد.

۵۳. آرامرادنژاد، ۵۷، ۶۵

۵۴. دیوسالار، ۲۹۰.

۵۵. ایران. وزارت کشور، نشریه تاریخ تأسیس شهرها ۱۳۹۰ش، ذیل «استان مازندران»؛ لیست تقسیمات کشوری-شهرستان «<http://portal2.moi.ir/Portal>».

۵۶. حجازی کناری، ۱۸۲-۱۸۳.

با احداث راه‌آهن شمال - جنوب، پل سفید نیز به یکی از ایستگاه‌ها و تعمیرگاه‌های قابل توجه راه‌آهن سراسری ایران تبدیل شد. احداث ایستگاه راه‌آهن در پل سفید جذب و افزایش جمعیت در این آبادی را به دنبال داشت. پل سفید در ۱۳۲۹ ش روستایی از دهستان راستویی از بخش سوادکوه به‌شمار می‌رفت و جمعیت آن حدود دوهزار تن بود که شمار قابل توجهی از این جمعیت را خانواده‌های کارگران و کارمندان راه‌آهن تشکیل می‌دادند.^{۵۷}

۴. صنایع و چشم‌اندازهای روستایی

بیشتر روستاهای مازندران مانند سایر مناطق مشابه در کشور نقش مؤثری در تهیه مواد خام اولیه صنایع داشتند. نیروی کار در این مناطق مواد خام اولیه را برای عرضه به شهرها تولید می‌کردند. شهر علاوه بر ایجاد تدارکات لازم برای فرآوری مواد خام اولیه، کارگاه‌ها و صنایع را سازمان‌دهی می‌کرد. شهرها هم‌چنین حمل و نقل و تولید نهایی را بر عهده داشتند؛ برای نمونه محصولاتی مانند پشم و پنبه در روستاهای مازندران تولید و وارد بخش‌های صنعتی کارخانجات نساجی و حریربافی شهرهای مختلف مازندران می‌شد.^{۵۸}

علاوه بر این تا پیش از روی کار آمدن رضاشاه، عمده مردم روستاهای کوهستانی از عشایر و کوچ‌نشین بوده و از دامپروری امرار معاش می‌کردند. با مجموعه اقدامات دولت بسیاری از بومیان ناحیه کوهستانی به جانب جلگه‌ها که مقر نوسازی رضاشاهی و شاهد امکانات رفاهی بود، مهاجرت کردند؛^{۵۹} از جمله مردم منطقه سوادکوه تا پیش از روی کار آمدن رضاشاه با

۵۷. مرکز آمار ایران.

۵۸. اهلرس، ۲۳۷.

۵۹. دیوسالار، ۲۸۹.

عشایری کوچ‌نشین بودند که دام‌پروری معیشت می‌کردند. اما با تأسیس راه‌آهن و کشف زغال سنگ در کوه‌های سوادکوه و استخراج و انتقال آن به وسیله قطار به اصفهان سبک جدیدی در کسب درآمد مردم و تغییر زندگی کوچ‌نشینی به زندگی کارگری شکل گرفت و بر اثر ایجاد تأسیسات متعلق به معادن زغال‌سنگ البرز مرکزی و ژاندارمری در آلاشت^{۶۰} و زغال‌سنگ زیرآب، شیوه درآمدی و معیشتی مردم منطقه به شدت متحول شد.^{۶۱}

۵. مهاجرت و چشم‌انداز روستایی

مهاجرت به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تغییر جمعیتی و ساختار اجتماعی مازندران نقش‌آفرین بود. در سال ۱۳۰۴ش جمعیت روستایی ایران حدود ۹/۳ میلیون نفر و جمعیت شهری ایران حدود ۲/۵ میلیون نفر تخمین زده شده است؛ اما در میانه کار دولت پهلوی اول نرخ جمعیت شهری به سبب مهاجرت از روستاها به نحو چشم‌گیری افزایش یافت^{۶۲} و فرصت‌های شغلی و تسهیلات درمانی در مراکز صنعتی مانند تهران، اصفهان، آبادان و برخی شهرهای کوچک کرانه‌های جنوبی دریای خزر برای اشتغال هزاران کارگر صنعتی فراهم آمد؛^{۶۳} برای نمونه کارخانجات نساجی و حریربافی شهرهای مازندران در آغاز با کمبود نیروی کار متخصص روبه‌رو بود و رضاشاه برای غلبه بر این کاستی، عده‌ای از کارگران را به اجبار از نقاط مرکزی ایران (شهرضا و یزد) به مازندران انتقال داد.^{۶۴} با ورود این کارگران در کنار نیروی کار بومی

۶۰. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۴/۲۸.

۶۱. همان، ۲۷۹.

۶۲. باری‌یر، ۲۷.

۶۳. فلور، ۲۶-۲۹.

۶۴. مجد، ۹۲.

شهری و روستایی مازندران ساختار اجتماعی این منطقه دست‌خوش تغییرات جمعیتی شد. در کنار مهاجرت به شهرهای مازندران، پدیده مهاجرت از روستا به روستا نیز در این منطقه صورت می‌گرفت که نقش مهمی در تغییرات چشم‌انداز روستایی مازندران ایفا می‌کرد. این مهاجرت‌ها درون‌ناحیه‌ای یا برون‌ناحیه‌ای بودند. در مهاجرت برون‌ناحیه‌ای، مردم از یک روستا به روستایی با مشخصاتی متفاوت مهاجرت می‌کنند؛ از جمله می‌توان به مهاجرت‌های مردم نواحی کوهستانی مازندران به مناطق جلگه‌ای اشاره کرد؛ به این معنی که در گذشته به دلایلی چون بالا آمدن آب دریا، شیوع بیماری‌های گوناگون در فصل گرما و پایین بودن سطح امکانات بهداشتی، مردم غالباً مناطق کوهستانی را برای زندگی دائم خویش انتخاب می‌کردند؛ اما پس از شناخت امکانات زیستی بیشتر در جلگه‌ها اولین مهاجرت‌ها از نواحی کوهستانی، در فصول مساعد سال، به مناطق جلگه‌ای شکل گرفت.^{۶۵} در مهاجرت درون‌ناحیه‌ای نیز روستاییان از یک روستا به روستایی دیگر، ولی با همان مشخصات جغرافیایی، مهاجرت می‌کنند. غالباً این مهاجرت‌ها به دلیل ناراضی از مالکان صورت می‌گرفت.^{۶۶}

براساس داده‌های آماری می‌توان روند تغییر جمعیتی و مهاجرت‌ها را مشاهده کرد. حرکت انسان‌ها از منطقه‌ای به منطقه دیگر ساخت‌خانه‌های جدید، درآمدهای جدید و سبک زندگی جدیدی را در پی دارد؛ از این رو، با بررسی آمارها می‌توان به بخشی از تغییر چشم‌اندازهای شهری و روستایی پی برد. درباره مازندران دوره رضاشاه متأسفانه آمارهای جمعیتی دقیقی وجود ندارد؛ چراکه نخستین سرشماری رسمی دولتی در ایران از سال ۱۳۳۵ آغاز شد؛ اما در فرهنگ جغرافیایی ایران که زیرنظر علی رزم‌آرا در سال ۱۳۲۵ گردآوری و در سال ۱۳۲۹ منتشر شده،

۶۵. گلین مقدم، ۱۹۸.

۶۶. برای نمونه نک. ساکما، سند شماره ۹۸۱۱۲-۲۹۳؛ کاما، سند شماره ۴-۶۵۷۳-۲۲.

می‌توان اطلاعات نزدیک به واقعی از تعداد سکونت‌گاه‌های روستایی و شهری، جمعیت و شیوه زیست و معیشت مردم استخراج کرد. اگرچه آمار حاصل از گزارش‌های رزم‌آرا درباره آبادی‌های مازندران در سال ۱۳۲۵ رسمی و کاملاً دقیق نیست، می‌تواند به عنوان تنها آمار موجود نزدیک به دوره رضاشاه از جمعیت روستایی مازندران، در تحلیل و مقایسه چشم‌انداز زیست و معیشت روستایی مفید باشد. بر اساس این آمار، در این سال تعداد قابل توجهی از سکونت‌گاه‌های انسانی در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای وجود داشتند. به طوری که نیمی از آبادی‌های برخی مناطق، مانند نوشهر، ساری، شاهی و گرگان در مناطق کوهستانی واقع بود. در مجموع ۴۵/۹ درصد آبادی‌های مازندران در دوره رضاشاه در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای قرار داشت و این نواحی ۴۸/۱۵ درصد از جمعیت انسانی را دربرداشتند.^{۶۷}

نتیجه

چشم‌انداز مازندران در دوره پهلوی اول در نتیجه گسترش شهرها و سکونت‌گاه‌های روستایی تحول یافت؛ چنان‌که بر اساس تغییرات شغلی، صنعتی و مهاجرتی چهره روستاها و کالبد فضایی آنها دگرگون شد. در کنار گسترش فضای جغرافیایی روستاها، تحت تأثیر ماشینی‌شدن کشاورزی، ایجاد سازه‌های جدیدی مانند ایستگاه‌های راه‌آهن و احداث زیرساخت‌های بندرگاهی شهرهای مازندران هم توسعه یافتند و جریان مهاجرت روستائیان به شهر شکل گرفت. میان تغییر چشم‌انداز جغرافیایی مازندران دوره رضاشاه با تحول سبک زیستی و معیشتی مردمان آن رابطه‌ای دوسویه وجود دارد؛ پیامد مستقیم تحول سکونت‌گاه‌های روستایی و شهری در این منطقه، تغییر در شیوه زیست و معیشت ساکنان آن بود. این تغییر خود استمرار تحول سکونت-

۶۷. این آمار بر اساس اطلاعات آماری فرهنگ جغرافیایی ایران زیر نظر علی رزم‌آرا توسط نگارندگان تهیه شده است.

گاه‌های روستایی و شهری را موجب می‌شد. عناصر اصلی شکل‌دهنده به چشم‌انداز جدید مازندران از جمله کشاورزی صنعتی، راه‌آهن، صنایع وابسته به شیلات، بندرها و بازارهای واسطه‌ای که متأثر از نوسازی رضاشاهی بود، شیوه‌های درآمدزایی و معیشتی جدیدی را با خود به همراه آورد.

کتابشناسی

- آرام‌رادنژاد، رحیم بردی، «بررسی کارکردها و توانمندی‌های شهرهای ساحلی شمال ایران (با تأکید بر بندر ترکمن)»، مجله فضای جغرافیایی، شماره ۱۵، ۱۳۸۵ ش.
- ابوت، کبث ادوارد، شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار، گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعه ایران (۱۸۴۷-۱۸۶۶م)، ترجمه سید عبدالحسین رئیس‌السادات، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۶ ش.
- اسلامی کردی، مرضیه، نوسازی‌های رضاشاه در شهر شاهی (فانمشهر) و پیامدهای اجتماعی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ، دانشگاه الزهرا، ۱۳۹۳ ش.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۶ ش.
- انوری، امیرهوشنگ، «دریای خزر، طبرستان، گیل و دیلم در نقشه‌های دوره اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تاریخ محلی مازندران، به کوشش دکتر علی رمضان پاچی، ساری، هاوژین، ۱۳۹۳ ش.
- اهلرس، اکارت، ایران، شهر-روستا-عشایر، ترجمه عباس سعیدی، تهران، انتشارات منشی، ۱۳۸۰ ش.
- ایران، وزارت کشور، نشریه تاریخ تأسیس شهرها ۱۳۹۰ ش، ذیل «استان مازندران»؛ لیست تقسیمات کشوری-شهرستان (<https://moi.ir/portal>).
- باری‌پر، جولیان، اقتصاد ایران (۱۲۷۹-۱۳۴۹)، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، موسسه حسابرسی صنایع ملی سازمان برنامه، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- بهنروز، فاطمه (۱۳۷۴)، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه

تهران، ۱۳۴۷ ش.

بینایی، قوام‌الدین، جغرافیای تاریخی بلده نور، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۷۰ ش.

چاهیان، علی اصغر، «طرح راه‌آهن و مجلس در دوره پهلوی اول»، اسناد بهارستان، برگزیده مقالات دومین نشست تخصصی تاریخ مجلس، ۱۳۹۰ ش.

حجازی کناری، سید حسن، پژوهشی در زمینه نام‌های باستانی مازندران، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۲ ش.

حسن‌نژاد، زمانه، «عوامل موثر بر رشد صنایع نساجی در عصر پهلوی»، مجله پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳. حسنی، سید رحمان، «پژوهشی در جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه با تأکید بر اسناد آرشیوی (۱۸۲۸-۱۹۵۳ م)»، فصلنامه پژوهشی تاریخ ایران و اسلام دانشگاه الزهره، سال بیست‌وسوم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۷، ۱۳۹۲.

خسروی، خسرو، جامعه‌شناسی روستایی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ ش.

همو، دهقانان خرده‌پا، تهران، انتشارات قطره، بی‌تا.

خلعتبری، الهیار، پناهی، عباس، «جایگاه تاریخی تنکابن در جغرافیای گیلان و مازندران»، پژوهشنامه دانشکده ادبیات، بی‌تا.

دمورگان، ژان ژام، سفرنامه دمورگان، ترجمه جهانگیر قائم‌مقامی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۳۸ ش.

دیوسالار، مهرداد، جغرافیای تاریخی مازندران از منظر مکتب چشم‌انداز با تأکید بر دوره پهلوی اول، رساله دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ۱۳۹۸ ش.

دیوسالار، مهرداد و دیگران، «چشم‌انداز جغرافیایی و کاربردی آن در پژوهش‌های تاریخی»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۷.

رهنمایی، محمدتقی، «دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه دولت و شهرنشینی در ایران)»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

روابط عمومی شرکت سهامی شیلات ایران، «شیلات ایران در یک نگاه»، مجله آزیان، شماره ۱۷ و ۱۸، فروردین و اردیبهشت، تهران، شرکت سهامی شیلات ایران، ۱۳۷۱ ش.
رزم‌آرا، علی، فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها)، جلد سوم، تهران، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ۱۳۲۹ ش.

سجادی، محمد تقی، تاریخ و جغرافیای تاریخی رامسر، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۸ ش.
سعیدی، عباس، مبانی جغرافیای روستایی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹ ش.
شایان، عباس، مازندران جغرافیای تاریخی و اقتصادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۳۶ ش.
صحابی‌فرد سنگسری، فرهاد، جغرافیای تاریخی شهر بندرگز و روستاهای تابعه آن، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۲ ش.
غفاری، فرخ، شمال ایران، تهران، سازمان جلب سیاحان، ۱۳۴۷ ش.
فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲۸، ساری، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۰ ش.

فلور، ویلم، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران، ترجمه ابوالقاسم سّری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۱ ش.
گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ ش، تهیه و تنظیم مرکز اسناد ریاست جمهوری، به کوشش رضا مختاری اصفهانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳ ش.

گلین مقدم، خدیجه، «روند شکل‌گیری و گسترش خانه‌های دوم در حوزه‌های جنگلی - کوهستانی شمال کشور در طی سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۸۵»، مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی، شماره ۹، زمستان ۱۳۸۸.

مجدد، محمدقلی، رضاشاه و بریتانیا به روایت اسناد وزارت خارجه آمریکا، ترجمه مصطفی امیری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹ ش.

مرکز آمار ایران، درگاه ملی آمار، سرشماری عمومی نفوس و مسکن: <https://www.amar.org.ir/>
سرشماری-عمومی-نفوس-و-مسکن/درباره-سرشماری/تاریخچه-سرشماری

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن: <https://amar.sci.org.ir/PlanList.aspx>
نادی، زهرا، تحول اقتصاد کشاورزی مازندران در دوره پهلوی اول، پایان‌نامه دکتری گروه تاریخ ایران

اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ۱۳۹۶ ش.
نادی، زهرا و دیگران، «رشد مناسبات اربابی و تأثیر آن بر زندگی کشاورزان در دوره قاجار (با تأکید بر ایالت‌های شمالی ایران)»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال ۵۳، دوره جدید، سال ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶.

نجف‌پور، مریم، محبوب، الهه، «تأثیرات صنعت نساجی بر تحولات شهرستان شاهی (قائم‌شهر) در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تاریخ محلی مازندران، به کوشش علی‌رمضانی پاچی، مازندران، ساری، انتشارات هاوژین، ۱۳۹۳ ش.
وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تحقیقات ترویج آموزش و کشاورزی، تحقیق و تدوین الگوی نظام نوآوری در صنعت شیلات و آبی‌پروری، معجری طرح امیرمسعود صابری، تهران، مؤسسه تحقیقات علوم شیلاتی کشور، ۱۳۹۵ ش.

یوسفی، صفر، «سیر تحولات شهر نور در بستر تاریخ»، پژوهش‌نامه تاریخ، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۶ ش.
یوسفی‌نیا، علی‌اصغر، تاریخ تنکابن، محال ثلاث (گیلان، مازندران در حیطه اساطیر و تاریخ، گوشه‌های ناشناخته از حوادث مشروطه و نهضت جنگل، تاریخ تفصیلی کلاردشت و کجور)، چاپ دوم، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۱ ش.

Kluiwing and Guttman-Bond, *Landscape Archaeology between Art and Science*, Amsterdam University Press, 2012, p.1.

Olwig, Kenneth, *Recovering the Substantive Nature of Landscape*, *Annals of the Association of American Geographers* 86, 603- 653, 1996.

Renes, Johannes (Hans), (ed.) Part II: "European agricultural landscape history", G. Pungetti & A. Kruse (eds). *European Culture Expressed in Agricultural Landscapes: Perspectives from the EucaL and Project*, Roma: Palombi Editori, 73-113, 2010.

Turner, James. G., *The Politics of Landscape*, Harvard University Press, 1979.

اسناد:

- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، سند شماره ۹۸۱۱۲-۲۹۳.
- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، سند شماره ۴۱۱۱-۲۳۰.
- ساکما، (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، سند شماره ۱۶۵۲۵-۲۶۰.
- کمام (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)، سند شماره ۶۵۷۳-۴-۲۲.

روزنامه‌ها و احصایه‌ها:

- احصائیه محصولات فلاحتی ایران، ۱۳۱۰: ۱۵۴.
- احصائیه محصولات فلاحتی ایران، ۱۳۱۰: ۱۶۰.
- اطاق تجارت ایران و آلمان، سال اول، ۱۳۱۵: ۲۴.
- اطاق تجارت، سال هفتم، شماره ۱۴۲، شهریور ۱۳۱۵: ۲۹.
- اطلاعات، سال پانزدهم، شماره ۴۱۹۸، ۷ خرداد ۱۳۱۹: ۱.
- اطلاعات، سال هفتم، شماره ۱۸۸۸، ۱۶ شهریور ۱۳۱۲: ۲.
- اطلاعات، سال یازدهم، شماره ۲۸۵۳، ۲۰ مرداد ۱۳۱۵: ۴.
- اطلاعات، سال یازدهم، شماره ۳۰۱۳، ۱۶ دی ۱۳۱۵: ۴.
- ایران، سال سیزدهم، شماره ۳۰۲۲، ۳۰ مرداد ۱۳۰۸: ۲.